

ضرورت جرم‌انگاری پولشویی مستقل از جرم منشأ*

□ شهرام زرنشان^۱
□ محمد شجاعی نصرآبادی^۲

چکیده

جرم پولشویی اگرچه نوعی از جرایم ثانویه می‌باشد، لکن متصف به وصفی است که آن را از این گونه جرایم متمایز می‌سازد. استقلال این جرم از جرایم اولیه، وصف خاصی است که در جرایم ثانویه دیگر موجود نبوده و همین وصف نیز جرم‌انگاری پولشویی را تبدیل به راهکاری کارآمد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته می‌نماید. از آنجا که کشف جرایم سازمان‌یافته غالباً به جهت پیچیدگی آن به سختی صورت می‌گیرد و از طرفی در فرض کشف جرم نیز اغلب گردانندگان سازمان مجرمانه درگیر عدالت کیفری نمی‌شوند و این عدالت در خوش‌بینانه‌ترین صورت در حق کارگزاران رده پایین سازمان مجرمانه اعمال می‌شود، لذا این نقیصه، مجریان عدالت کیفری را بر آن داشته تا با بهره‌گیری از یافته‌های جرم‌شناسانه نوین، مبادرت به جرم‌انگاری نوعی از جرایم ثانویه نمایند که سفره

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴.

۱. استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول) (sh.zarneshan@basu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی (m.shojaeinasar@gmail.com).

گردانندگان و بهره‌گیرندگان اصلی از سازمان مجرمانه را بدون نیاز به کشف و اثبات جرم منشأ هدف قرار دهد؛ چه آنکه اگر محکومیت به این جرم منوط به اثبات جرم منشأ باشد، عملاً هدف جرم‌انگاری پولشویی که شیوه‌ای نوین در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته بوده، رعایت نشده است و بدین صورت به دستاوردی جز دور و تسلسل دست نیافته‌ایم؛ با این توضیح که به جهت عجز از کشف جرایم سازمان‌یافته که با پیچیدگی زیادی همراه است، مبادرت به جرم‌انگاری پولشویی نموده‌ایم، در حالی که اثبات جرم پولشویی را منوط به کشف همان جرایم پیچیده کرده‌ایم. بر این اساس، رعایت فلسفه حاکم بر جرم‌انگاری پولشویی تنها در گرو ایجاد وصف استقلال این جرم از جرم منشأ می‌باشد و این امر به منزله لزوم عبور از اصل برائت در جرم‌انگاری پولشویی است.

واژگان کلیدی: پولشویی، جرایم سازمان‌یافته، جرم منشأ، عواید جرم، اماره شناسنامه‌دار بودن اموال، اصل برائت، فرض مجرمیت، جرائم ثانویه.

مقدمه

گذر زمان و پیشرفت سریع فناوری از صحت مدعای نظریه دهکده جهانی پرده برداشته و امروزه این نظریه آینده حتمی شیوه زندگی بشر است. وصف دهکده جهانی و نزدیکی هر چه بیشتر توده‌های جوامع بشری به یکدیگر با همه مختصات مفید خود، متضمن مشکلاتی است که عدول از آن گریزناپذیر است. معضل «جرایم سازمان‌یافته فراملی» یکی از پیامدهای ناگوار نزدیک شدن جوامع به یکدیگر در نتیجه جهانی شدن است.

مبارزه با این جرایم به جهت ساختار پیچیده آن، نیازمند جرم‌شناسی خاص جرایم سازمان‌یافته و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و سیاست‌های کیفری متناسب است. جرم‌انگاری پولشویی در جهت شناسایی و ضبط عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه و قطع حلقه ارتزاق مجرمان از زنجیره فعالیت‌های مجرمانه می‌تواند راهکاری مفید و مؤثر برای پیشگیری از این جرایم باشد. اما جرم‌انگاری پولشویی لاجرم نیازمند بسترهای اقتصادی مناسبی است که فقد آن بسترها مفهوم حقوقی پولشویی را سلب نموده و جز نامی از آن باقی نخواهد گذارد. در این جستار برآنیم تا ضمن مذاقه در فلسفه جرم‌انگاری پولشویی، به ضرورت جرم‌انگاری این عمل با استقلال از جرم منشأ برسیم. استقلالی که نگارندگان این سطور در پی آن‌اند، نه به معنای جرم‌انگاری پولشویی در کنار جرم منشأ

و ضرورت تعیین مجازات مضاعف برای مرتکب جرم منشأ و جرم پولشویی است، بلکه به معنای ضرورت اثبات جرم پولشویی بدون اثبات جرم منشأ است. به عبارت دیگر، استقلال قضایی در خصوص اثبات مستقل جرم پولشویی در این جستار، مطمح نظر قرار خواهد گرفت؛ امری که به نظر می‌رسد در قانون مبارزه با پولشویی بنا به دلایلی که خواهد آمد، لحاظ نشده است. این موضوع از آن جهت مورد توجه است که ضرورت جرم‌انگاری پولشویی در کنوانسیون‌های مختلف به جهت نیل به اهداف خاصی است که این اهداف در صورت عدم استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ، هرگز تأمین نخواهد شد. بر این اساس کوشیده‌ایم تا از پرداختن به حواشی پولشویی از جمله تاریخچه آن و اینکه منشأ نام‌گذاری پولشویی از رختشوی‌خانه‌های آمریکا بوده یا رسوایی واترگیت و یا شرح مراحل سه‌گانه پولشویی و یا بیان تعاریف مختلف پولشویی و اثرات مخرب اغراق‌آمیز ناشی از جرم پولشویی که در بسیاری از نوشتارها بدان پرداخته شده (برای مطالعه در این باره ر.ک: معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۸؛ موسوی مقدم، ۱۳۸۶)، فاصله بگیریم تا طریق تمرکز بر فلسفه جرم‌انگاری پولشویی هموار گردد که در این صورت می‌توان جرم پولشویی را از آنچه در قانون ایران هست تا آنچه باید باشد، تمییز داد.

با این بیان، برای نیل به چگونگی شکل‌گیری ایده جرم‌انگاری پولشویی ابتدا به جایگاه نظری جرم پولشویی^۱ و سپس به جایگاه کاربردی این جرم در مقابله با جرایم سازمان‌یافته خواهیم پرداخت؛ چرا که این دو مبحث به درستی ما را به علت‌شناسی و چرایی جرم‌انگاری پولشویی رهنمون خواهند ساخت. پس از درک هدف اصلی از جرم‌انگاری پولشویی که همانا مقابله با جرایم سازمان‌یافته بوده و تبیین این امر که مقابله با این جرایم، منوط به استقلال جرم پولشویی از اثبات جرم منشأ است، ابتدا میزان

۱. در باب جایگاه نظری جرم پولشویی لازم به توضیح است که این جرم در گذشته تنها نسبت به عواید حاصل از معاملات مربوط به جرایم سازمان‌یافته به ویژه در حوزه قاچاق مواد مخدر اعمال می‌شد، لکن امروزه این مفهوم مجرمانه توسعه یافته و شامل عواید مربوط به هر گونه معاملات مرتبط با اعمال غیرقانونی می‌گردد. بدین ترتیب حتی عواید حاصل از فرارهای مالیاتی، ورشکستگی به تقلب و... نیز تحت شمول این عنوان قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، در حال حاضر جرم پولشویی هر گونه پول غیرقانونی و کثیف را که با قرار گرفتن در چرخه معاملات مشروع و قانونی، هویتی تازه و تمیز می‌یابد، در بر می‌گیرد (Al-Zaqibh, 2013: 43).

و درجه وابستگی بین جرم پولشویی با جرم منشأ در اثبات را در سه مدل مورد تبیین قرار داده و پس از آن، نحوه گذر از اصل برائت را با استفاده از اماره شناسنامه‌دار بودن اموال و نیل به استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ، بررسی خواهیم نمود و در پایان، رویکرد نظام حقوقی ایران را درباره استقلال جرم پولشویی از اثبات جرم منشأ به بحث خواهیم گذاشت.

۱. جایگاه جرم پولشویی و کارکرد جرم‌انگاری آن

شناسایی جایگاه جرم پولشویی و کارکرد جرم‌انگاری آن و به نوعی درک فلسفه وضع این جرم، کمکی شایان به ارائه تصویری درست از جرم پولشویی می‌کند. در این مبحث ابتدا جایگاه نظری این جرم به بحث گذاشته می‌شود و از آنجا که ایده جرم‌انگاری پولشویی در جهت مقابله با جرایم سازمان‌یافته شکل گرفته است، کارکرد جرم پولشویی در مقابله با جرایم سازمان‌یافته مورد تدقیق قرار می‌گیرد. این مبحث ما را با وصف الزامی استقلال جرم پولشویی از اثبات جرم منشأ رهنمون می‌سازد؛ چرا که فلسفه وضع جرم پولشویی در گرو استقلال در اثبات این جرم است.

۱-۱. جایگاه نظری جرم پولشویی

پولشویی از این جهت که با ورود و خروج مبالغ هنگفت به بازارهای مالی، سبب نوسان و به هم خوردن تعادل آن بازارها می‌شود، لطمات اقتصادی به کشورها وارد خواهد نمود؛ زیرا نتیجه این امر، ایجاد تقاضاهای کاذب برای خرید و فروش و در نتیجه افزایش و کاهش بی‌دلیل قیمت‌ها، نوسان میزان نقدینگی و نرخ ارز و نرخ بهره و سود بانکی، کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی و افزایش هزینه‌های دولت برای ایجاد تعادل در بازارهای مالی خواهد بود (رهبر و میرزاوند، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۶)؛ لذا از حیث نوسان بازارهای مالی، پولشویی اقتصاد کشورها را مورد حمله قرار می‌دهد. ولی تمام تبعات بعدی این جریان، معلول‌هایی هستند که نوسان بازار مالی ایجاد می‌کند و نمی‌توان هم علت و هم تمام معلول‌های آن را فهرست کرد و سیاهه‌ای طویل از آثار مخرب اقتصادی پولشویی بیان نمود و حتی در این مقوله، لطمات اقتصادی‌ای را مطرح کرد که هیچ ارتباطی با نفس پولشویی ندارند؛ از جمله افزایش هزینه‌های دولت در

رابطه با جلوگیری از جرایم منشأ مثل هزینه‌های دولت برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و امثال آن (ساک، ۱۳۸۰: ۳۵)؛ چرا که تبعات و مشکلات حاصل از جرم منشأ را نمی‌توان از مضرات پولشویی به حساب آورد. هرچند وجوهی که در فرایند پولشویی تطهیر شده، می‌تواند مجدداً در خدمت فعالیت‌های بزهکارانه قرار گیرد، لکن جرم‌انگاری پولشویی از این حیث صرفاً ناشی از اقدامات پیشگیرانه است و این معضلی نیست که نفس پولشویی ایجاد می‌کند.

با این وصف شاید بتوان گفت که در بیان آثار مخرب پولشویی در اقتصاد، قدری اغراق شده است و اگر بخواهیم فارغ از جرم منشأ، نفس پولشویی را بررسی نموده و ارزشی را که نفس پولشویی آن را هدف قرار می‌دهد، ذکر کنیم، باید به برهم خوردن تعادل در بازارهای مالی اشاره نماییم؛ زیرا این جرم بیش از هر چیز، سبب نوسان بازار گردیده و این امر به بروز عواقب سوء اقتصادی خواهد انجامید و از این حیث، جرم پولشویی را باید جرمی مخل نظم اقتصادی دانست و در دسته جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار داد. اما تاریخچه قانونی پولشویی نشان‌دهنده آن است که ایده جرم‌انگاری این عمل مطلقاً به جهت اخلال در نظام اقتصادی شکل نگرفته است، بلکه این جرم به عنوان جرم ثانویه و در راستای مبارزه با جرایم منشأ جرم‌انگاری گردیده است که نظام قضایی در مبارزه با آن‌ها با روش‌های معمول کمتر توفیق حاصل کرده و از این رو با جرم‌انگاری پولشویی، به جای آنکه ابتدا جرمی کشف شود و سپس عواید حاصل از جرم ضبط شود، ابتدا عواید ناشی از جرم کشف و ضبط می‌گردد و سپس برای کشف جرم منشأ اقدام می‌نماییم. شاید بتوان این روش حقوقی را که مختصات آن از آخر به اول آمدن است، از جهاتی شبیه به مهندسی معکوس در صنعت دانست.

از آنجا که جرم پولشویی انگیزه‌های اقتصادی و منفعت‌طلبانه مجرمان را هدف قرار می‌دهد، با اندیشه جرم‌شناسانی منطبق است که مجرم را حسابگر و سودانگار می‌دانند و بدین ترتیب جرم‌انگاری جرایمی چون پولشویی را می‌توان و باید متضمن قبول نظریه اقتصادی جرم دانست. به باور این نظریه‌پردازان سودانگار که پیشگام آن‌ها را باید ژرمی بنتام دانست، مجرمان در نتیجه حسابگری و مقایسه عواید و هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم، مرتکب فعل مجرمانه می‌شوند و کنش مجرمانه، بازتابی از اصل لذت - رنج است

(وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۸۹). بنام محاسبه مضار و منافع حاصل از جرم یا همان سود و زیان ناشی از جرم را علت ارتکاب جرم می‌داند و معتقد است که بزهکار سرانجام با این پیش‌بینی که منافع حاصل از جرم بیش از مضار احتمالی جرم است، دست به اجرای نیت مجرمانه خویش می‌زند (Bentham, 1802: 10). این نوع اندیشه که بعدها در نظریه اقتصادی گری بیکر قوام یافت، به توجیه علل جرم بر اساس وصف محاسبه‌گری مجرم می‌پردازد (نجفی ابرندآبادی، ۷۳-۱۳۷۲: ۲۲). با این بیان از آنجا که در غالب موارد، جرم با هدف کسب منفعت مالی صورت می‌گیرد، اقدام مؤثرتر در برخورد با جرم آن است که جریانات مالی ناشی از عواید مجرمانه، موضوع جرم‌انگاری قرار گیرد و این نوع جرم‌انگاری، پولشویی را در دسته جرایم ثانویه قرار می‌دهد؛ جرایمی که به تبع جرم اولیه جرم‌انگاری شده و هدف از جرم‌انگاری آن پیشگیری از ارتکاب جرم اولیه است.

۲-۱. کارکرد جرم‌انگاری پولشویی در مقابله با جرایم سازمان‌یافته

جرایم سازمان‌یافته به یک‌باره در نیمه دوم قرن بیستم و همگام با پیشرفت سریع فناوری، رشد چشمگیری یافت. تعاریف و خصایص زیادی برای جرایم سازمان‌یافته ذکر شده است (برای مطالعه در این باره ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۸۰-۱۳۷۹: ۵۴). لکن بهترین تعریف برای پیشبرد این بحث چنین است:

جرم سازمان‌یافته جرمی است که مشخصه تدارک و ارتکاب آن، تشکیلاتی روشمند است که اغلب برای مباحثان آن امکانات معاش فراهم می‌کند (بوریگان، ۱۳۷۶-۱۳۷۷: ش ۲۱-۲۲/۳۱۶).

تقسیم جرایم به سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته، نه از حیث نوع جرم و عنوان مجرمانه که از منظر وجود تشکیلاتی روشمند برای ارتکاب انواع جرایم است. روشمندی تشکیلاتی که در تعریف فوق بیان گردید متضمن نوعی تقسیم کار در چارچوب یک ساختار سلسله‌مراتبی هرمی شکل است (Bassiouni & Verter, 1998: xxvii-xxviii)؛ به نحوی که می‌توان گفت با یک شرکت سهامی مجرمانه مواجهیم. تشکیل این شرکت یا سازمان مجرمانه از نظر روانی ارتکاب جرم را برای مرتکب آن آسان‌تر می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۷۴: ۳۲۳-۳۲۴) و بدین سان جرایم پیچیده‌ای چون قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و

انسان، سرقت و قاچاق آثار فرهنگی و تاریخی و ... (برای مطالعه بیشتر ر.ک: شمس، ۱۳۷۸-۷۹: ۳۲-۳۳) که ارتکاب آن به صورت انفرادی بسیار مشکل است، با ایجاد این ساختار روشمند با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد.

پیچیدگی این تشکیلات روشمند مانع از آن است که بتوان با روش‌های سنتی قانون‌گذاری، به مقابله با این جرایم و پیشگیری کیفری از آن‌ها پرداخت. ساده‌ترین بیان برای این ناکارآمدی و خلأهای قانونی موجود آن است که فی‌المثل به صورت سنتی در تمام جرایم، مباشر جرم همان مرتکب فعل مادی جرم بوده که مستقیم و یا غیرمستقیم، جرم توسط وی محقق می‌گردد و معاونت در جرم نیز با تسهیل وقوع جرم بدون مشارکت در عملیات اجرایی جرم تحقق می‌یابد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۷۴/۲). استفاده از مفاهیم این روش سنتی در تعریف مباشر و معاون در مقابله با جرایم سازمان‌یافته بدین معناست که رأس هرم سازمان مجرمانه هرگز به عنوان مباشر جرم تلقی نمی‌شود و همواره ذیل هرم و به نوعی کارگزاران هیئت مجرمانه، مباشر تلقی می‌شوند. در این حالت، رهبر فعالیت‌های مجرمانه که مسئول برنامه‌ریزی و آمر عملیات مجرمانه است، به جهت آنکه هیچ دخل و تصرفی در عملیات مادی جرم نداشته، صرفاً به اندازه معاونت در جرم مسئولیت خواهد داشت و حال آنکه وی مغز متفکر و گرداننده سازمان مجرمانه است. هرچند در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقنن در جهت رفع این خلأ قانونی گام برداشته و در ماده ۱۳۰ مقرر نموده که مجازات سردسته گروه مجرمانه به میزان حداکثر مجازات شدیدترین جرمی است که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند؛ لکن این مقرر منصرف از مجازات‌های شرعی همچون حدود، قصاص و دیات بوده و نیز صرفاً رأس هرم مجرمانه را هدف قرار داده است، حال آنکه جرایم سازمان‌یافته غالباً متشکل از یک سردسته و تعدادی کارگزار نبوده و ممکن است که سازمان مجرمانه دارای چندین لایه مدیریتی تا رأس هرم باشد. با این بیان بهتر می‌توان دریافت که مقابله با روش‌های ساختارمند مجرمانه از طرق سنتی و کلاسیک قانون‌گذاری امکان‌پذیر نیست و مقنن نیز همگام با مجرمان باید خود را به ابزارها و روش‌های نوین مسلح نماید.

تبلور عملی ناتوانی در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته را می‌توان در رقم سیاه بزهکاری و

رقم خاکستری بزهکاری (برای مطالعه درباره رقم سیاه و خاکستری بزهکاری ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۸۳-۱۳۸۲: ۲۹) در جرایم سازمان‌یافته به وضوح رصد نمود؛ بدین معنا که بسیاری از جرایم سازمان‌یافته، یا کشف نمی‌شوند که تورم رقم سیاه بزهکاری را در پی دارد و یا کشف آن‌ها منجر به شناسایی و دستگیری مجرم نمی‌شود که حاکی از گستره رقم خاکستری بزهکاری این جرایم است. با این توصیف، نظر به اینکه در جرایم سازمان‌یافته همواره جرم با قصد قبلی ارتکاب یافته و نیز سازمان مجرمانه به مثابه یک مجرم حرفه‌ای و حتی فراتر از آن عمل می‌کند، امکان کشف جرم یا شناسایی و دستگیری مجرم بسیار دشوارتر از سایر جرایم است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: سلیمی، ۱۳۸۲). ضمن اینکه سازمان‌های مجرمانه به ابزارهای دیگری جهت مصونیت از طریق خشی‌سازی نیروهای اعمال‌کننده کیفر نیز مجهزند. ابزارهایی چون قانون سکوت که در سازمان‌های مجرمانه حاکم است و دلالت بر عدم اقرار و معرفی دیگر شرکای جرم به هنگام دستگیری دارد؛ چرا که در سازمان‌های مجرمانه، منافع عدم همکاری با قوای قضایی بیشتر از همکاری با آن‌هاست و همچنین روش‌های آلوده کردن پلیس و قضات به فساد و در صورت عدم امکان، بدنام کردن و حتی تهدید و خشونت علیه ایشان، جملگی روش‌هایی هستند که کشف و مقابله با جرایم سازمان‌یافته را دشوارتر می‌سازد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۶۶۲-۶۶۳).

این نارسایی‌ها در مقابله با جرایم سازمان‌یافته و فراملی بودن این جرایم که البته وصف الزامی این نوع جرایم نیست، سبب گردید که راهکاری نوین برای مقابله با این جرایم ابداع گردد. از آنجا که یکی از اولین مشخصه‌های جرایم سازمان‌یافته، وصف «تداوم در فعالیت به منظور منفعت‌طلبی‌های بزرگ از راه‌های مجرمانه» (سلیمی، ۱۳۸۲: ۵۲) بوده و از دیدگاه ریموند گسن نهایت جرم سازمان‌یافته، کسب منافع اقتصادی و مالی است (نجفی ابرندآبادی، ۸۱-۱۳۸۰: ۳۷)، جرم‌انگاری پولشویی با هدف قرار دادن منفعت‌طلبی مجرمان، راهکاری است که در وهله نخست به پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته با بالا بردن هزینه‌های جرم و در وهله دوم به کشف این جرایم با افزایش ریسک جرم می‌انجامد. فرایندی که در آن، نظام قضایی برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته، تمرکز خود را از فعل مجرمانه برداشته و به عواید حاصل از عمل مجرمانه معطوف

می‌دارد و با جرایم سازمان‌یافته در محل استفاده از عواید این جرایم مبارزه می‌نماید. برای توضیح بهتر لازم است به تقسیم‌بندی سه‌گانه برخی پژوهشگران از محل فعالیت سازمان‌های مجرمانه اشاره نماییم. در این تقسیم‌بندی، نخستین منطقه را محل تولید مواد اولیه فعالیت‌های مجرمانه می‌نامند؛ منطقه‌ای که بیشتر در کشورهای کمتر توسعه‌یافته قرار داشته و فی‌المثل محل کاشت مواد مخدر یا تدارک زنان برای تن‌فروشی و یا برداشت اعضای بدن انسان برای پیوند است. منطقه دوم محل مصرف این تولیدات مجرمانه بوده که بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد و منطقه سوم که کارکرد اساسی دارد، محلی است که از آن تحت عنوان بهشت‌های بانکی و مالیاتی یاد می‌شود و در آن، فرایند تطهیر پول و ورود آن به چرخه اقتصادی صورت می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۶۶۷). با این بیان به روشنی می‌توان دریافت که عجز از برخورد با جرایم سازمان‌یافته در مناطق اول و دوم، سبب شده است که جرم‌شناسان موضع مبارزه با جرایم سازمان‌یافته را در منطقه سوم قرار دهند؛ به طوری که با جرم‌انگاری پولشویی مانع از ورود این جوه به چرخه اقتصادی شوند. این ایده را می‌توان در همه مقررات اولیه مبنی بر جرم‌انگاری پولشویی در مجامع جهانی رصد نمود. برای نمونه، ماده ۱ طرح کمیسیون جامعه اروپا برای وضع دستورالعمل شورا جهت پیشگیری از به کارگیری سیستم‌های مالی با هدف پولشویی^۱ در تعریف این جرم آورده است: تبدیل یا انتقال یک دارایی با علم به اینکه از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده باشد، به منظور پنهان کردن یا گم کردن منشأ غیر قانونی آن دارایی یا کمک به هر شخصی که با ارتکاب چنین جرمی سروکار دارد، به منظور گریز از پیامدهای قانونی رفتار وی.^۲

1. Commission of the European Communities Proposal for a Council Directive on Prevention of Use of the Financial System for the Purpose of Money Laundering and Explanatory Memorandum, 23 March 1990.

۲. همچنین در سال ۱۹۹۱ اولین دستورالعمل مبارزه با پولشویی شورای اروپا حاوی تکالیف شناسایی مشتری، نگهداری سوابق و گزارش عملیات مشکوک و... به تصویب رسید. این دستورالعمل بر مبنای توصیه‌های چهل‌گانه FATF که اتحادیه اروپایی نیز یکی از اعضای آن است، تدوین یافت (European Council Money Laundering Directive - 91/308EEC) (برای بررسی تفصیلی‌تر ر.ک: جزایری، ۱۳۸۸: ۱۵۳-۱۵۹).

می‌توان گفت که شروع ورود پولشویی به ادبیات حقوقی تقریباً با همین تعابیر و مضامین بود.

البته کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان سال ۱۹۸۸ وین^۱ را می‌توان نخستین سند بین‌المللی دانست که به جرم پولشویی اشاره داشته است (رضوی‌فرد، ۱۳۹۶: ۱۰۹). ایده اصلی در کنوانسیون وین به عنوان نخستین سند بین‌المللی که به جرم‌انگاری پولشویی پرداخت، این بود که اگر بخواهیم با جرم قاچاق مواد مخدر به معنای کلان و نه در سطح خرده‌فروشی مبارزه نماییم، یکی از راه‌های مؤثر آن، ایجاد جرمی در قانون به نام جرم پولشویی یا جرم تطهیر درآمدهای ناشی از قاچاق مواد مخدر است؛ زیرا همان‌طور که اگر در جرم خرید و فروش اموال مسروقه با مال‌خرهای حرفه‌ای برخورد شود، سرقت‌های حرفه‌ای تا اندازه‌ای کاهش می‌یابد، در جرم پولشویی نیز اگر با تطهیرکنندگان وجوه حاصل از قاچاق مواد مخدر برخورد شود، از میزان قاچاق کاسته خواهد شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۸).

شایان ذکر آنکه در این کنوانسیون که تحت عنوان قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز رسیده است، تعریف جرم پولشویی ناظر بر قاچاق مواد مخدر بوده، لکن امروزه قلمرو جرم پولشویی علاوه بر قاچاق مواد مخدر و جرایم مرتبط با آن، به جرایم مهم دیگر نیز تسری یافته است (جزایری، ۱۳۸۸: ۴). بر این اساس می‌توان گفت که جرم‌انگاری پولشویی، جزء جرم‌انگاری‌های نزولی

1. The Vienna Convention, United Nation Convention against Illicit traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, 1988.

همچنین از دیگر مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: Palermo Convention, United Nation Convention against Transnational Organized Crimes, 2000; Merida Convention, United Nation Convention against Corruption, 2003; International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999; Security council Resolution 1267, 1999; Security Council Resolution 1373, 2001. در رابطه با قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۲۶۷ شورای امنیت شایان ذکر است که این دو سند، مهم‌ترین قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم به شمار می‌روند و البته اسناد متعدد دیگری هم از سوی شورا در این باره وجود دارند که همه‌ساله و به طور مرتب صادر می‌شوند.

قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که جرم‌انگاری ابتدائاً در اسناد کیفری بین‌المللی صورت گرفته و سپس دولت‌ها به دلیل تعهدات خود در قبال اسناد الزام‌آور و یا به علت جهانی شدن ارتکاب جرم و آثار سوء آن در جوامع متبوع خود، ناگزیر از وارد کردن عنوان مجرمانه کنوانسیون‌های بین‌المللی در حقوق داخلی خود شده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۲).

البته سابقه مبارزه با عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه که عامل اصلی جرم‌انگاری پولشویی بوده، قبل از شکل‌گیری ایده جرم‌انگاری پولشویی، در جرایم مالی همچون سرقت مورد استفاده بسیاری از نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. برای نمونه در حقوق انگلستان عمل مداخله در اموال مسروقه مانند خرید، فروش و اختفای اموال مسروقه جرم‌انگاری گردیده و مجازات آن حداکثر به میزان ۱۴ سال حبس در نظر گرفته شده است. این در حالی است که حداکثر مجازات سرقت، ۷ سال حبس بوده است و این یعنی شدت عمل در مقابل جرم ثانویه نسبت به جرم اولیه (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۷۸). این تفاوت در میزان مجازات جرم اولیه با جرم ثانویه، بیانگر میزان توجه به قطع عواید حاصل از جرم و پیشگیری از جرم اولیه از این طریق است.

اما آنچه می‌تواند وجه ممیزه جرم پولشویی از سایر جرایم ثانویه قرار گیرد، آن است که جرم پولشویی اگرچه در زمره جرایم ثانویه قرار می‌گیرد، متصف شدن این جرم به این وصف از جرایم ثانویه که منوط به اثبات جرم اولیه است، عملاً کارایی جرم پولشویی را مخدوش و نیل به هدف غایی مقنن در جرم‌انگاری پولشویی را مختل می‌سازد. با این بیان، همان‌طور که پیشتر شرح آن آمد، ایده جرم‌انگاری پولشویی با توجه به ناتوانی کشورها در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته شکل گرفت و چنانچه احراز جرم پولشویی را به عنوان جرم ثانویه، منوط به اثبات جرم منشأ نماییم، این امر عملاً از کارایی جرم پولشویی در پیشگیری از جرایم اولیه و جرم منشأ خواهد کاست و توقعاتی که بر اساس آن پولشویی جرم‌انگاری گردیده، برآورده نخواهد شد. بر این مبنا در جرم‌انگاری پولشویی، از بسیاری از اصول اساسی حاکم بر حقوق کیفری همانند اصل برائت، اصل صحت و اصل عدم عدول گردیده و با انصراف از رعایت این اصول، فرض مجرمیت جایگزین آن شده است (آزمایش، ۱۳۹۵: ۲۴۲-۲۴۳) که در زیر به چگونگی آن خواهیم پرداخت.

۲. استقلال جرم پولشویی با گذر از اصل براءت

آنچه تا کنون شرح آن آمد، بیانگر جایگاه و فلسفه جرم‌انگاری پولشویی بوده و بر این اساس جهت پیشگیری و مقابله با جرایم سازمان‌یافته، ایده جرم‌انگاری پولشویی شکل گرفته است. با شناخت فلسفه و مبنای جرم‌انگاری پولشویی و درک ضرورت استقلال آن از اثبات جرم منشأ، از آنجا که استقلال جرم پولشویی در گرو گذر از اصل براءت است، در این بخش ابتدا درجه وابستگی جرم پولشویی به اثبات جرم منشأ از حیث وابستگی کامل، استقلال نسبی و استقلال مطلق بررسی خواهد شد و سپس نحوه گذر از اصل براءت و نیل به استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ با حکومت اماره شناسنامه‌دار بودن اموال بر اصل براءت تبیین خواهد گردید و در نهایت استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ در نظام حقوقی ایران بررسی خواهد شد.

۱-۲. تبیین میزان وابستگی جرم پولشویی به اثبات جرم منشأ

برای بیان استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ بهتر است به بررسی برخی اوصاف جرایم ثانویه و مقایسه آن با جرایم مانع پردازیم. جرایم مانع و جرایم ثانویه از این حیث که نفس این جرایم هدف مطلوب مقنن نبوده‌اند و هدف اصلی پیشگیری از جرم دیگری است، وصفی مشترک دارند. لکن وجه تمایز این دو دسته از جرایم، پیوستگی جرم ثانویه با جرم اولیه است؛ در حالی که جرم مانع چنین پیوستگی با جرم اصلی ندارد. به عبارت دیگر، برای اثبات جرم ثانویه ناگزیر از اثبات جرم اولیه هستیم، اما برای اثبات جرم مانع، ضرورتی به اثبات جرم اصلی وجود ندارد؛ برای نمونه، جرم مداخله در اموال مسروقه موضوع ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی قسمت تعزیرات، جزء جرایم ثانویه بوده و اثبات آن منوط به اثبات جرم سرقت است و بر این اساس تا جرم سرقت اثبات نگردد، مسروقه بودن مال محرز نگردیده و مداخله در اموال مسروقه قابل اثبات نخواهد بود. از این منظر، نقطه مقابل این گونه جرایم که اصطلاحاً جرایم ثانویه نامیده می‌شوند، جرایم مانع هستند. این جرایم اگرچه مانند جرایم ثانویه فی نفسه هدف مقنن نمی‌باشند و هدف از جرم‌انگاری آن‌ها پیشگیری از جرایم دیگری است، لکن برخلاف جرایم ثانویه، نیازی به اثبات جرم اصلی نیست و فارغ از اثبات یا عدم اثبات

جرم اصلی، جرم‌انگاری می‌گردند. معمولاً جرایمی که رکن مادی آن‌ها حمل و نگهداری است، در دسته جرایم مانع قرار می‌گیرند؛ برای نمونه، حمل و نگهداری سلاح موضوع ماده ۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب سال ۱۳۹۰ یکی از مصادیق جرم مانع است (برای مطالعه درباره جرایم مانع ر.ک: نجفی ابرندآبادی، حبیب‌زاده و بابایی، ۱۳۸۳: ش ۳۷/۲۳-۴۸)؛ چرا که نفس حمل و نگهداری سلاح، محل نظم عمومی نبوده، بلکه امکان استفاده از آن، مقنن را بر آن داشته تا نسبت به جرم‌انگاری حمل و نگهداری آن اقدام نماید؛ فارغ از اینکه نگهدارنده سلاح، از آن استفاده کند یا خیر. این بیان دقیقاً وجه تمایز جرایم ثانویه را - که منوط به اثبات جرایم اولیه‌اند- از جرایم مانع - که نیازی به اثبات جرم اصلی ندارند، نشان می‌دهد. آنچه در جرم‌انگاری پولشویی به آن نیاز داریم، توجه به تفکیک این دو دسته از جرایم از یکدیگر است. جرم پولشویی اگرچه جزء جرایم ثانویه قرار می‌گیرد، از منظر عدم نیاز به اثبات جرم منشأ، متصف به وصف جرایم مانع است و نیازی به اثبات جرم منشأ در احراز جرم پولشویی نیست و دقیقاً همین ویژگی است که می‌تواند به جرم پولشویی، کارایی لازم را در برخورد با جرایم سازمان‌یافته عطا نماید.

رویکرد حقوق کیفری در خصوص رابطه و پیوستگی جرم پولشویی با جرم منشأ که نحوه اثبات این جرم را متفاوت می‌سازد، در سه مدل زیر خلاصه می‌شود.

مدل نخست- رویکرد مبتنی بر وابستگی مطلق: در این روش، احراز جرم پولشویی منوط به اثبات جرم منشأ بوده و همواره در کنار حکمی در خصوص جرم پولشویی، حکمی در خصوص جرم منشأ نیز وجود دارد. آنچه در این روش مدنظر قرار می‌گیرد آن است که باید دقیقاً وجوه حاصل از عملیات مجرمانه شناسایی گردیده و اثبات گردد که وجه مشخصی که موضوع فرایند پولشویی بوده، حاصل از فلان عملیات مجرمانه است. قانون مبارزه با پولشویی چنان که خواهد آمد، همین رویکرد را در پیش گرفته و بر همین اساس نیز تا کنون در رویه قضایی ایران، رأی مبنی بر صرف پولشویی صادر نگردیده است.

مدل دوم- رویکرد مبتنی بر استقلال نسبی: در این روش نیز اگرچه احراز جرم

پولشویی در گرو اثبات جرم منشأ است، نیازی به شناسایی دقیق این امر که وجه موضوع فرایند پولشویی، حاصل از عملیات مجرمانه بوده، نیست و کافی است که برای دادگاه این ظن قوی حاصل شود که مال موضوع پولشویی، حاصل از فعالیت‌های مجرمانه است؛ برای نمونه، چنانچه قاچاقچی دستگیر شود و ظن قوی بر آن باشد که فلان وجه، حاصل از قاچاق می‌باشد، بار اثبات معکوس گردیده و این مرتکب است که باید منشأ مال را معرفی و اثبات نماید که این وجه ربطی به فعالیت مجرمانه‌اش ندارد. این رویکرد همان روشی است که در پیش‌نویس قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی اتخاذ گردیده است که شرح آن در ادامه خواهد آمد.

مدل سوم - رویکرد مبتنی بر استقلال مطلق: این شیوه جرم‌انگاری که بر استقلال کامل جرم پولشویی از جرم منشأ دلالت دارد، همان روشی است که در اسناد بین‌المللی کراراً بدان اشاره شده است. در این روش صدور حکم محکومیت به جرم پولشویی نه تنها به صدور حکم محکومیت به جرم منشأ وابسته نیست، بلکه حتی نیازی نیست که برای دادگاه ظن حاصل شود که مال ناشی از فعالیت‌های مجرمانه است. در این رویکرد، تمام بار اثبات بر عهده متصرف مال است که باید منشأ مال را مشخص سازد و در صورت عجز از اثبات تحصیل مال از طریق مشروع، دادگاه جرم پولشویی را محرز دانسته و نسبت به محکومیت شخص به جرم پولشویی و مصادره این وجه اقدام می‌نماید. ویژگی اخیر یعنی استقلال مطلق پولشویی از جرم منشأ، دقیقاً همان ویژگی است که ایده جرم‌انگاری پولشویی بر اساس آن تکوین یافته است؛ چرا که اگر بنا باشد که احراز جرم پولشویی منوط به اثبات جرم منشأ شود، پیشگیری از وقوع این جرایم از طریق جرم‌انگاری پولشویی در مواردی که جرم منشأ به اثبات نرسد، میسر نخواهد بود؛ حال آنکه درست به جهت عدم توانایی در کشف جرایم منشأ، ایده جرم‌انگاری پولشویی شکل گرفته است.

عرفی‌ترین تبیین برای اثبات ضرورت جرم‌انگاری پولشویی با استقلال مطلق از جرم منشأ را می‌توان در عبارت پرسشی و البته کلیشه‌ای «از کجا آورده‌ای؟» جست. با تصویب قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها در سال ۱۳۳۷ توسط مجلس شورای

ملی، مقنن در ماده ۵ این قانون مقرر داشته بود که مشمولان ماده اول (وزرا و معاونان و سایر کارکنان کشوری و لشگری و شهرداری‌ها و برخی نهادهای دیگر) مکلف‌اند به کلیه پرسش‌های مربوط به تغییرات حاصله در صورت‌داری، جواب صریح دهند. این مقرره سبب گردید که این قانون در بین جراید به قانون «از کجا آورده‌ای؟» شهرت یابد. این عبارت با گذر زمان رواج خود را از دست داد تا آنکه در سال ۱۳۷۰ و در پی تصویب قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان و به نوعی با ورود پولشویی به ادبیات حقوقی ایران، پرسش «از کجا آورده‌ای؟» مجدداً به ادبیات مطبوعاتی و عامه کشور ما وارد شد و شیوع آن به حدی فراگیر بود که هم‌اکنون از این پرسش به عنوان یک عبارت کلیشه‌ای یاد می‌کنیم. مخاطب پرسش «از کجا آورده‌ای؟» هرگز نباید و نمی‌تواند آن را بی‌پاسخ گذارد و به نوعی مکلف به پاسخ‌گویی است؛ چرا که اگر اصل براءت را در این باره جاری سازیم و معتقد باشیم که هر مالی از راه مشروع به دست آمده است، مگر خلاف آن اثبات شود، در این صورت طرح پرسش «از کجا آورده‌ای؟» راه به جایی نخواهد برد و اشخاص می‌توانند ادعا کنند که ملزم به پاسخ‌گویی به این پرسش نیستند و در سایه اصل براءت، مال باید مشروع فرض شود و بدین ترتیب طرح این پرسش، بی‌پاسخ و حتی بی‌وجه به نظر می‌رسد. بنابراین مخاطب این پرسش، حق سکوت نداشته و اصل براءت نیز در حق وی جاری نخواهد شد و بر این اساس چنانچه مالک با ارائه مستندات منشأ قانونی این دارایی را معرفی نکند، این دارایی نامشروع تلقی شده و وی محکوم به پولشویی خواهد شد؛ فارغ از اینکه جرم منشأی کشف بشود یا خیر. این خصوصیت همان رویکردی است که اعتقاد به استقلال مطلق جرم پولشویی از جرم منشأ را طلب می‌نماید. این مشخصه جرم پولشویی شاید برای افرادی که در کشورهایی مثل کشور ما زندگی می‌کنند، قدری عجیب و غیر منطقی به نظر برسد، لکن بیان مختصات اقتصادی کشورهایی که جرم‌انگاری پولشویی حاصل اندیشه آن‌هاست، به فهم موضوع کمک خواهد نمود و مشخصه گذر از اصل براءت و استقلال مطلق جرم پولشویی از جرم منشأ را بهتر تبیین خواهد نمود.

۲-۲. گذر از اصل برائت با اماره شناسنامه‌دار بودن اموال

در قانون اساسی بسیاری از کشورها با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد،^۱ به صراحت به اصل برائت اشاره شده است. در صدر ماده یازدهم این اعلامیه آمده است:

هر کس که به جرمی متهم شود، این حق را دارد که بی‌گناه فرض شود تا زمانی که جرم او بر اساس قانون در یک دادگاه علنی که در آن تمامی ضمانت‌های لازم برای دفاع او وجود داشته باشد، ثابت شود.

همچنین اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل برائت را پذیرفته است. ذکر این نکته لازم است که بر خلاف آنچه در ظاهر می‌نماید، این مفهوم از اصل برائت که در حقوق کیفری کاربرد دارد، هیچ ارتباطی با اصل برائت در مفهوم فقهی آن ندارد. اصل برائت یا اصالة البرائة که یکی از اصول عملیه است، ناظر به مواردی است که در حکمی شک داریم که در این صورت بنا بر اصل برائت، مکلف به انجام آن امر نیستیم. این اصل در مفاهیم فقهی، بیشتر نزدیک به اصل عدم است (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۹۵-۲۹۷) و فاقد هر گونه وجه اشتراک با اصل برائت در مفاهیم حقوق کیفری است. شاید بتوان گفت که نزدیک‌ترین معادل فقهی برای اصل برائت در حقوق کیفری، قاعده درأ می‌باشد که البته این قاعده نیز هرچند در خصوصیت شبیه به اصل برائت است، لکن در محدوده تحت شمول قاعده درأ هم در فقه امامیه و هم در فقه عامه اختلاف نظر وجود دارد و برخی از فقها معتقدند که مبنای حدود به عنوان حق الله بر تسامح و تخفیف بوده و بنابراین عروض شبهه مسقط حد است، ولی در حق الناس از جمله قصاص، اصل بر تدقیق بوده و اساساً قاعده درأ در آن راهی ندارد؛ لکن بدون لحاظ اختلاف نظر فوق باید قاعده درأ را نزدیک‌ترین معادل فقهی برای اصل برائت در حقوق کیفری دانست.

اصل برائت در حقوق کیفری، واجد دو کارکرد ماهیتی و شکلی است؛ با این توضیح که این اصل در ماهیت دعوی به تبرئه در مقام شک می‌انجامد و در شکل

1. The Universal Declaration of Human Rights, United Nations, 1948.

دادرسی، بار اثبات را بر عهده شاکی یا دادستان قرار می‌دهد. در قوانین کشورهای که مبدع عنوان مجرمانه پولشویی هستند و همچنین در کنوانسیون‌های بین‌المللی که شرح آن خواهد آمد، اصل برائت که یکی از اساسی‌ترین تضمینات حفظ حقوق و آزادی‌های فردی است، در جرم‌انگاری پولشویی رعایت نشده و این اصل جای خود را با فرض مجرمیت عوض کرده و این فرد مورد تعقیب است که باید بی‌گناهی خود را اثبات کند (آزمایش، ۱۳۹۵: ۲۴۸)؛ چرا که اگر بنا باشد اصل برائت را در خصوص متهم به پولشویی جاری نماییم، این بدان معناست که نظام قضایی باید ابتدا ثابت نماید که وجه موضوع پولشویی، حاصل از فعالیت مجرمانه بوده است و به عبارت دیگر اگر جرم منشأ ثابت نشود، اتهام پولشویی نیز معنایی نخواهد داشت. حال آنکه اگر چنین بود، پیشگیری از جرایم از طریق جرم‌انگاری پولشویی اساساً معنایی نداشت. همه ویژگی خاص پولشویی نسبت به سایر جرایم، در نقض اصل برائت و قرار دادن بار اثبات قانونی بودن منشأ درآمد بر عهده شخص متهم به پولشویی است. در غیر این صورت، پرسش «از کجا آورده‌ای؟» صرفاً یک شعار سیاسی است و در عمل متهم می‌تواند این پرسش را بی‌پاسخ گذاشته، ادعا نماید که بر اساس اصل برائت، این نظام قضایی است که باید ثابت کند که این وجه از طریق غیر قانونی و مجرمانه حاصل شده است. بنابراین برای اینکه پرسش «از کجا آورده‌ای؟» از شعار سیاسی به یک مفهوم حقوقی برسد، ناگزیر از گذر از اصل برائت هستیم.

عبور از اصل برائت در یک نظام حقوقی آن طور که در ظاهر می‌نماید، ساده نبوده و مقتضیاتی را می‌طلبد که آن را نه در نظام حقوقی بلکه در نظام اقتصادی کشورها باید جستجو نمود؛ با این توضیح که در کشورهای پیشرفته، کارکرد نهاد دولت مبتنی بر دریافت مالیات و ارائه خدمات است. به دیگر سخن، پرداخت مالیات از جانب مردم در قبال ارائه خدمت از جانب دولت صورت می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای، پرداخت مالیات به دولت به مثابه پرداخت ثمن معامله است که در قبال جنس فروخته شده یا خدمت ارائه شده باید به طرف معامله پرداخت گردد. در این وضعیت، با جرم فرار مالیاتی با شدت و حدت زیادی برخورد می‌شود و این جرم به مثابه یک جرم مالی همچون اختلاس است؛ زیرا در هر دو جرم، مجرم مرتکب دست‌اندازی در اموال

عمومی شده است. از همین رو جهت جلوگیری از فرار مالیاتی، همهٔ اموال و وجوه باید شناسنامه‌دار باشند. این شناسنامه‌دار بودن اموال سبب می‌شود که دولت بتواند مالیات متناسب با منشأ آن، مانند مالیات بر ارث یا مالیات بر درآمد و... را از مالک آن اخذ نماید. با این توصیف می‌توان گفت همان طور که اشخاصی که در یک کشور تردد می‌نمایند باید شناسنامه یا گذرنامه و در صورت لزوم ویزا داشته باشند، وگرنه به صورت قاچاقی و غیر مجاز به کشور وارد شده‌اند، اموالی هم که دارای شناسنامه نیستند و منشأ آن‌ها معلوم نیست نیز کالای قاچاق و غیر مجاز و نامشروع تلقی می‌شوند. شناسنامه‌دار بودن اموال در این کشورها به نوعی یک اماره محسوب می‌شود؛ اماره‌ای با این مضمون که منشأ همهٔ اموال مشخص بوده و همهٔ اموال شناسنامه‌دار هستند و بنابراین اگر کسی نتواند یا نخواهد منشأ اموال خود را ارائه دهد، این امر اماره‌ای بر مجرمیت وی تلقی می‌شود و در تعارض بین اصل براءت و این اماره، تقدم اماره سبب محکومیت وی به پولشویی می‌گردد؛ فارغ از اینکه جرم منشأی ثابت بشود یا خیر. بنابراین وجود چنین بستر اقتصادی و یا ایجاد چنین بستر اقتصادی است که حرکت بر خلاف اصل براءت در قوانین کشورهای پیشرفته و کنوانسیون‌ها را ممکن می‌سازد.

این وصف از اوصاف جرم پولشویی که اساسی‌ترین وصف آن تلقی می‌گردد، کارایی لازم را به جرم پولشویی در مبارزهٔ بهینه با جرایمی که غالباً پیچیده و ساختارمند ارتکاب می‌یابند، اعطا می‌نماید و در کنوانسیون‌هایی که جرم پولشویی در آن‌ها شناسایی شده، به این ویژگی پرداخته شده است؛ برای نمونه در مادهٔ ۵ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان سال ۱۹۸۸ وین، به ضبط عواید حاصل از جرم قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان اشاره شده و در بند هفتم این ماده نیز آمده است:

هر یک از اعضا می‌تواند ترتیباتی فراهم نماید که بار اثبات دلیل در رابطه با منشأ قانونی عواید و یا سایر اموال ادعایی در معرض ضبط به میزانی که چنین اقداماتی با اصول حقوق داخلی و طبع تشریفات قضایی و غیره آن در انطباق می‌باشد، معکوس گردد.

معکوس شدن بار اثبات، به مفهوم نقض اصل برائت بوده و این متهم است که باید منشأ قانونی مال را مشخص نماید. همچنین در بند ۷ از ماده ۱۲ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی سال ۲۰۰۰ پالرمو^۱ آمده است:

کشورهای عضو می‌توانند مقرر نمایند که مجرم باید منبع قانونی عواید مورد ادعای حاصل از جرم یا سایر اموال قابل مصادره را ارائه نماید به این شرط که این امر با اصول حقوقی داخلی آن‌ها و نیز ماهیت دادرسی قضایی یا سایر دادرسی‌ها انطباق داشته باشد.

همین رویکرد را در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد سال ۲۰۰۳ مریدا می‌توان مشاهده نمود که البته با توجه به ماده ۲۰ این کنوانسیون مبنی بر ضرورت جرم‌انگاری دارا شدن من غیر حق، باید توضیح مبسوط‌تری در این باره ارائه شود. بنابراین بررسی ماده ۲۰ و بند ۸ ماده ۳۱ که مرتبط با بحث ماست، ضروری به نظر می‌رسد.

ماده ۲۰ کنوانسیون مریدا در باب جرم‌انگاری دارا شدن من غیر حق مقرر می‌دارد: هر کشور عضو با توجه به قانون اساسی و اصول اساسی نظام حقوقی خود، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات لازم را مدنظر قرار می‌دهد تا دارا شدن من غیر حق یعنی افزایش چشمگیر دارایی‌های یک مقام دولتی را که به صورت معقول نمی‌تواند در ارتباط با درآمد قانونی خود توضیح دهد، موقعی که به صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم کیفری تلقی شود.

1. Palermo Convention, United Nation Convention against Transnational Organized Crimes, 2000.

لازم به توضیح است که کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به جرایم سازمان‌یافته فراملی به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی مبارزه با جرایم سازمان‌یافته در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ و در پنجاه و پنجمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک از سوی ۱۵۰ کشور پذیرفته شد (Resolution A/RES/55/25 of 15 November 2000 at the Fifty-fifth Session of the General Assembly of the United Nations) و در سپتامبر ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا گردید. هم‌اکنون بیش از ۱۸۰ کشور، معاهده را به تصویب رسانده و طرف متعاهد این سند تلقی می‌شوند. شاید بتوان گفت که این کنوانسیون فراگیرترین سند بین‌المللی در مورد پولشویی محسوب می‌شود که تا کنون اجرایی گردیده است و البته کشور ما به رغم امضاء هنوز بدان ملحق نشده است (برای مطالعه بیشتر درباره این کنوانسیون ر.ک: محمودی، ۱۳۹۶؛ Hauck & Peterke, 2010: 420-430).

با این بیان می‌توان گفت که جرم دارا شدن من غیر حق که مجرم آن تنها مقامات دولتی هستند، دقیقاً واجد وصفی است که پولشویی باید متّصف به آن باشد. استفاده از عبارت «... که به صورت معقول نمی‌تواند در ارتباط با درآمد قانونی خود توضیح دهد...» بدین معناست که بار اثبات و ادای توضیح در خصوص منشأ مال با متصرف آن است و اگر نتواند منشأ آن را مشخص سازد، مجرم محسوب خواهد شد. اما برای جستجوی این وصف در خصوص جرم پولشویی باید به بند ۸ ماده ۳۱ این کنوانسیون مراجعه نمود. این بند که در باب مسدود کردن، ضبط و مصادره اموال می‌باشد، مقرر می‌دارد:

کشورهای عضو می‌توانند امکان ملزم بودن اینکه مجرم منشأ قانونی بودن چنین عواید مورد ادعای ناشی از جرم یا سایر اموال مشمول مصادره را نشان دهد، تا حدی که چنین الزامی مطابق با اصول اساسی قانون داخلی آن و ماهیت دادرسی‌های قضایی یا سایر دادرسی‌ها باشد، مورد بررسی قرار دهند.

این عبارت نیز نقل به مضمون همان مقرره‌هایی است که در کنوانسیون‌های وین و پالمو آمده است. همان طور که پیشتر نیز ذکر آن گذشت، معکوس نمودن بار اثبات و درخواست ادای توضیح از متهم، مستلزم ایجاد بسترهای اقتصادی و سپس مقرره‌های قانونی مناسب بوده و بر همین اساس در هر سه کنوانسیون به این الزام که متهم باید منشأ مال را مشخص نماید، به صورت محتاطانه و با این شرط که این امر با اصول حقوقی سازگار باشد، پرداخته شده است و البته ناگفته پیداست که کشورهای عضو نباید به صرف فقد بسترهای اقتصادی و موازین قانونی، این الزام را کنار نهند، بلکه باید در خصوص ایجاد چنین زمینه‌هایی تلاش نمایند.

در کنفرانسی که با حمایت سازمان ملل متحد در شهر ناپل ایتالیا برگزار شد نیز بر این وصف اساسی جرم پولشویی تأکید گردیده است. در این کنفرانس آمده است که دولت‌ها باید فعالیت‌های مربوط به پولشویی را جرم‌انگاری نمایند؛ اعم از آنکه منشأ نامشروع مال ثابت شود یا خیر (کنفرانس وزارتی جهانی پیرامون جرایم سازمان‌یافته فراملی (ناپل، ایتالیا، نوامبر ۱۹۹۴)، اعلامیه سیاسی و طرح اقدام جهانی: U.N. Doc. A/49/748).

۲-۳. استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ در نظام حقوقی ایران

قانون مبارزه با پولشویی که در سال ۱۳۸۶ تصویب شد، منبعث از کنوانسیون پالرمو بوده و در بسیاری از موارد با این کنوانسیون مشابهت‌های فراوان دارد. اما در خصوص بار اثبات منشأ اموال، این قانون در ماده ۱ خود موضع‌گیری عکس کنوانسیون پالرمو و ماهیت اصلی جرم پولشویی داشته است. در این ماده آمده است:

اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری موضوع ماده ۲ قانون تجارت است، مگر آنکه بر اساس مفاد این قانون، خلاف آن به اثبات برسد. استیلاي اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر ملکیت است.

اصل صحت در صدر و قاعده ید در ذیل این ماده به صراحت ذکر شده و این ماده دلالت بر پذیرش تلویحی اصل برائت دارد. این اصول و قواعد هرچند در نظام حقوقی و قانونی ایران وجود داشته و از این جهت نیازی به ذکر آن نبوده است، بیان آن در این ماده از باب تأکید بوده و محلی برای هر گونه تفسیر بر خلاف اصل برائت باقی نمی‌گذارد. بر این مبنا، پولشویی به مفهوم حقوقی آن در قانون مبارزه با پولشویی، جرم‌انگاری نشده است؛ چرا که با وجود اصل صحت، قاعده ید و در نتیجه پذیرش اصل برائت در جرم پولشویی، فرایند از آخر به اول آمدن مفهومی نداشته و جرم پولشویی فارغ از اثبات جرم منشأ تحقق نمی‌یابد؛ بلکه ابتدا باید جرم منشأ اثبات شود و سپس می‌توان مرتکب را به جهت تحصیل، تملک، اخفا و... عواید حاصل از جرم به پولشویی محکوم نمود.

با عنایت به این ماده و بر اساس آنچه پیشتر در خصوص مدل‌های ارتباط جرم پولشویی با جرم منشأ مطرح شد، مقنن ایرانی رویکرد وابستگی مطلق را برای پولشویی در نظر گرفته و تنها در معیت اثبات جرم منشأ و اثبات اینکه این درآمد مشخص، ناشی از جرم می‌باشد، امکان محکومیت به پولشویی فراهم است.

این ویژگی سبب می‌شود که جرم پولشویی کارکرد اصلی خود را از دست داده و به نوعی نقش ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات را ایفا نماید، با این تفاوت که این ماده منحصر به مداخله در اموال مسروقه بوده و جرم پولشویی ناظر بر مداخله در اموال حاصل از هر جرمی است. نگاهی به برخی از آرای صادره از محاکم

داخلی، نشان‌دهنده استفاده محاکم از جرم پولشویی در این راستاست؛ برای نمونه در پرونده‌ای با کلاسه ۹۲۰۹۹۸۸۱۱۳۹۰۰۵۵۵ در شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی جزایی شهرستان همدان، ۲ نفر محکوم به کلاهبرداری به مبلغ یک میلیارد و شصت میلیون ریال گردیده و ۵ نفر دیگر به دلیل تحصیل و نگهداری و استفاده از عواید حاصل از مبلغ کلاهبرداری شده، به جرم پولشویی محکوم شده‌اند. در این خصوص نیازی به ذکر مثال‌های بیشتر نیست؛ چرا که در حال حاضر تنها مورد مصرف جرم پولشویی در رویه قضایی ایران، منحصر به همین موارد است.

این نوع استفاده از جرم پولشویی در آرای محاکم ما که حاکی از تنزل این جرم از مابوضعه آن است، تنها حاصل نوع قانون‌گذاری غیر مستقل این جرم از جرایم منشأ است؛ به طوری که شأن جرم پولشویی را که می‌بایست گلوگاه اقتصادی جرایم سازمان‌یافته و فسادهای مالی کلان را بفشرد، تنزل داده و آن را در حد تحصیل و خرید و فروش عواید حاصل از هر جرم کشف‌شده‌ای، ولو عواید حاصل از تکدی‌گری پایین آورده است و بدین ترتیب رویه قضایی ایران نیز بر اساس داده‌های قانون مبارزه با پولشویی مبنی بر جرم‌انگاری وابسته پولشویی به جرم منشأ، به این سو رفته است.

پس از گذشت حدود یک دهه از تصویب قانون مبارزه با پولشویی، به جهت کاستی‌های این قانون از جمله نقایص آن در خصوص استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ و ایراداتی که از طرف مجامع حقوقی داخلی و مجامع جهانی بر این قانون وارد شده است، اخیراً پیش‌نویس قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، تنظیم و از طرف دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است.^۱ در مقدمه این پیش‌نویس آمده است: قانون مذکور به دلیل اشکالات ساختاری که داشته، در امر مبارزه با پولشویی موفق نبوده و کافی برای ایفای تعهدات دولت ایران تلقی نشده است؛ از جمله اینکه ماده ۱ این قانون هیچ‌گونه سختیت و تناسبی با مبارزه با پولشویی ندارد و علاوه بر آن، مجازات پیش‌بینی شده برای این جرم مهم بین‌المللی نیز نامتناسب است و اقدامات اجرایی لازم برای جلوگیری از وقوع پولشویی نیز در آن پیش‌بینی نشده است.

۱. پیش‌نویس قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، وبگاه رسمی ریاست جمهوری، ۱۳۹۶/۸/۲۹، کد خبر: ۹۶۰۸۲۹۱۶۸۷۰.

در این پیش‌نویس، ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی که دائر بر پذیرش بی‌قید و شرط اصل برائت می‌باشد، بدین شرح اصلاح و به نوعی تعدیل گردیده است:

اصل بر صحت معاملات است، مگر آنکه بر اساس شواهد و قرائن، ظن قوی بر عدم صحت آن‌ها وجود داشته باشد که در این صورت، مسئولیت اثبات صحت بر عهده متصرف است.

این مقرر به منزله حرکت از رویکرد وابستگی مطلق به رویکرد استقلال نسبی جرم پولشویی از جرم منشأ بوده و چنانچه این پیش‌نویس به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، ظن قوی بر اینکه وجه حاصل از فعالیت‌های مجرمانه است نیز بار اثبات را معکوس می‌گرداند. البته اگرچه در این ماده از پیش‌نویس، به ضرورت اثبات جرم منشأ اشاره‌ای نشده است، لکن بدیهی است که نمی‌توان نسبت به مراودات مالی شخصی که هیچ جرمی از وی یا اطرافیان‌ش ثابت نشده، ظن قوی بر عدم صحت داشت و رکن ضروری ایجاد چنین ظنی، کشف جرم منشأ است؛ هرچند که اثبات رابطه میان مال و جرم ضرورتی ندارد و صرف ظن به اینکه مال ناشی از فلان جرم است، کفایت می‌کند.

بر این اساس هرچند در این پیش‌نویس، وصف استقلال مطلق جرم پولشویی از جرم منشأ بیان نگردیده است، لکن حرکت به سمت استقلال نسبی، گام نخست تقنینی در این خصوص بوده و پس از آن باید بستر اقتصادی جهت شناسنامه‌دار شدن اموال و مراودات مالی فراهم گردد و در گام آخر، وصف استقلال مطلق جرم پولشویی از جرم منشأ توسط مقنن مورد شناسایی قرار گیرد.

شایان ذکر است که استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ صرفاً به این مفهوم نیست که جرم پولشویی مستقل از جرم منشأ قابل مجازات بوده و احکام متعدد مادی بر جرم پولشویی و جرم منشأ بار شود، بلکه استقلالی که به پولشویی، هویت غیر وابسته و کارایی ویژه‌ای در مبارزه با جرایم پیچیده می‌دهد، دائر بر آن است که جرم پولشویی مستقل از اثبات جرم منشأ قابل اثبات باشد و این امر، بر مفهوم قضایی استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ دلالت دارد. با این وصف، جرم پولشویی باید هم‌عنصر قانونی مستقل با مجازات و ضمانت اجرای مستقل از جرم منشأ داشته باشد (برای مطالعه بیشتر

ر.ک: جزایری، ۱۳۸۲) و هم در مرحله رسیدگی و قضا وابسته به اثبات و یا عدم اثبات جرم منشأ نباشد.

البته ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی هرچند ماهیت مستقل جرم پولشویی را لحاظ نکرده است، لکن همان طور که بیان گردید، حرکت بر خلاف اصل برائت نیازمند بستری اقتصادی است که با شفافیت گردش‌های مالی و شناسنامه‌دار بودن اموال همراه است که در چنین وضعیتی، شناسنامه‌دار نبودن اموال اماره‌ای بر مجرمیت تلقی می‌شود و این اماره بدون نیاز به اثبات جرم منشأ می‌تواند به نقض اصل برائت و قرار دادن بار اثبات بی‌گناهی بر عهده متهم بینجامد که چنین بستری در کشور ما موجود نیست. البته مشروح مذاکرات مجلس در این باره نشان می‌دهد که ایراد شورای نگهبان به لایحه مبارزه با پولشویی که سبب الحاق ماده ۱ به قانون مبارزه با پولشویی شده است، ایراد مخالفت با شرع بوده (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، جلسه ۱۵۸) و در طول مذاکرات مجلس کمتر به فقد فضای اقتصادی جهت حرکت بر خلاف اصل برائت و معکوس شدن بار اثبات جرم پرداخته شده است. اما با وجود این، حتی فقد زمینه‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی لازم نیز نمی‌بایست به وضع ماده‌ای می‌انجامد که مفهوم حقوقی پولشویی را سلب کرد و صرفاً جرم‌انگاری پولشویی را در حد یک شعار سیاسی باقی گذارد؛ شعار سیاسی که مخاطب آن مجامع بین‌المللی بوده و بیشتر در راستای خروج از فشارهای بین‌المللی و نه ایجاد یک ماهیت حقوقی مستقل است. البته پیش‌نویس قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و شناسایی وصف استقلال نسبی برای این جرم، گام مهمی رو به جلو بوده و در کنار آن، ایجاد زمینه‌ها و بسترهای اقتصادی در شفافیت مراودات مالی و شناسنامه‌دار شدن اموال می‌تواند جرم پولشویی در حقوق ایران را در جایگاه تعریف‌شده آن در کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار دهد.

نتیجه‌گیری

جرم‌انگاری پولشویی به عنوان راهکاری مؤثر در راستای پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته بوده و استقلال این جرم از جرم منشأ می‌تواند عملاً شرایط نظارت بر گردش‌های مالی مشکوک را فراهم سازد و دارنده مال ملزم باشد که منشأ آن را مشخص سازد و در

صورت عدم ارائه شناسنامه و مشخص نشدن منشأ قانونی مال، شخص به اتهام پولشویی تحت تعقیب قرار گرفته، مال مجهول‌المنشأ مصادره شود. این روش هر چند بستر اقتصادی با ویژگی‌هایی خاص را می‌طلبد که در کشور ما موجود نیست، لکن برای ایجاد چنین فضایی به نظر می‌رسد که حاکمیت قبل از هر چیز باید عزم مبارزه با فساد و مقابله با جرایم سازمان‌یافته را در خود تقویت نماید و سپس با ایجاد زیرساخت‌های لازم اقتصادی و شفافیت مراودات مالی، اماره شناسنامه‌دار بودن اموال را ایجاد نماید تا گذر از اصل براءت امکان‌پذیر گردد. تا آن زمان، تقنین ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی و لحاظ اصل براءت در این ماده به منزله اعلام براءت قانون از جرم‌انگاری ماهیت پولشویی است؛ چرا که حرکت بر خلاف اصل براءت یکی از اوصاف اساسی جرم پولشویی است که بار اثبات را بر عهده متهم قرار می‌دهد تا در صورت عدم ارائه شناسنامه اموال و عدم پاسخ به پرسش «از کجا آورده‌ای؟» بتوان شخص را فارغ از کشف یا عدم کشف جرم منشأ، به پولشویی محکوم نمود؛ رویکردی که در قانون مبارزه با پولشویی لحاظ نگردیده، لکن در پیش‌نویس قانون اصلاحی، نشانه‌هایی از حرکت به سمت آن دیده می‌شود. با این بیان شاید گزاف نباشد که بگوییم مبارزه با پولشویی با قانون فعلی بیشتر رنگ و بوی شعار سیاسی دارد تا مفهومی حقوقی؛ شعار سیاسی که مخاطب آن مجامع بین‌المللی بوده و به نوعی عملگرایی ظاهری نسبت به تعهدات بین‌المللی است؛ چرا که اگر بخواهیم پولشویی را به مفهوم دقیق کلمه جرم‌انگاری نماییم، باید ضمن شناسنامه‌دار کردن مراودات مالی و ایجاد بستر اقتصادی مناسب، اماره‌ای خلاف اصل براءت ایجاد نماییم و با استفاده از این اماره، از اصل براءت عبور نموده و فرض مجرمیت را به جای آن نهیم و در نتیجه عمل پولشویی را بدون لحاظ اصل براءت و به صورت مستقل از اثبات جرم منشأ جرم‌انگاری نماییم.

کتاب‌شناسی

۱. آزمایش، علی، «جنبه‌های کیفری پولشویی»، مجموعه مقالات همایش کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش‌ها، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۲. ابراهیمی، شهرام، «مطالعه جرم‌شناختی جرایم سازمان‌یافته»، حج اندیشه، به کوشش نعمت‌الله الفت، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۶ ش.
۳. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و هشتم، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۴. بوریگان، ژاک، «بزهکاری سازمان‌یافته در حقوق کیفری فرانسه»، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۱-۲۲، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷ ش.
۵. جزایری، مینا، پولشویی و مؤسسات مالی، تهران، مؤسسه عالی آموزش بانکداری، ۱۳۸۸ ش.
۶. همو، «جرم پولشویی به عنوان یک جرم مستقل»، پولشویی (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی) شیراز ۷-۸ خرداد ۱۳۸۲، به اهتمام کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، تهران، وفاق، دی ۱۳۸۲ ش.
۷. رضوی‌فرد، بهزاد، «پولشویی»، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۸. رهبر، فرهاد و فضل‌الله میرزاوند، پولشویی و روش‌های مقابله با آن، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
۹. ساکی، محمدرضا، جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و بین‌المللی، تهران، خط سوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. سلیمی، صادق، جنایات سازمان‌یافته فراملی، تهران، صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. شمس، علیرضا، جرم سازمان‌یافته و بررسی مصادیق آن در حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۷۹-۱۳۷۸ ش.
۱۲. کی‌نیا، مهدی، روان‌شناسی جنایی، تهران، رشد، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ بیست و سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. محمودی، سیدهادی، «کنوانسیون ملل متحد بر ضد جرم سازمان‌یافته فراملی و پروتکل‌های آن (کنوانسیون پالمو)»، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۱۵. معاونت آموزش قوه قضاییه، آشنایی با جرم پولشویی، چاپ دوم، تهران، جاودانه، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ سی و پنجم، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، تدوین امیرحسین نیازپور، نیمسال نخست سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ ش.، قابل دسترس در: <lawtest.ir>.
۱۸. همو، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، تدوین بتول پاکزاد، نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ ش.، قابل دسترس در: <lawtest.ir>.
۱۹. همو، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، تدوین محمدحسین شاملو احمدی، نیمسال نخست سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ ش.، قابل دسترس در: <lawtest.ir>.
۲۰. همو، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، تدوین محمدکاظم تقدیر، نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ ش.، قابل دسترس در: <lawtest.ir>.
۲۱. همو، «جرایم مواد مخدر: درآمدی به جرم تطهیر درآمدها و سرمایه‌های نامشروع»، مجله عرصه پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، پیش‌شماره ۱، ۱۳۸۲ ش.

۲۲. همو، «جهانی شدن حقوق کیفری و تعاملات دانشگاهی بین‌المللی»، دیباچه بر: *جلوه‌هایی از حقوق کیفری فرانسه؛ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های میشل مسه و برناردت اوبر*، به کوشش بهزاد رضوی‌فرد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵ ش.

۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، محمدجعفر حبیب‌زاده و محمدعلی بابایی، «جرایم مانع (جرایم بازدارنده)»، *نشریه مدرس علوم انسانی (ویژنامه حقوق)*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، شماره پیاپی ۳۷، ۱۳۸۳ ش.

۲۴. وایت، راب، فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ پنجم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.

25. Al-Zaqibh, Ahmad Aqeil Mohamad, "International Laws on Money Laundering", *International Journal of Social Science and Humanity*, Vol. 3(1), 2013.

26. Bassiouni, M. Cherif & Eduardo Verter, *Organized Crime; A Compilation of U.N. Documents 1975-1998*, Transnational Publishers, Inc., Ardsley, New York, 1998.

27. Bentham, Jérémie, *Traité de législation civile et pénale*, Vol. 3, Publies par Ét. Dumont, Paris, 1802.

28. Hauck, Pierre & Sven Peterke, "Organized Crime and Gana Violence in National and International Law", *International Review of the Red Cross*, Vol. 92, 2010.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی